



2012/07/13

قيس کبير

بررسی سه بُعد شونیزم ایران

بخش اول

سفرهای کوتاه و دراز مدتم به حیث یک پناهنده افغان و بعداً به حیث توریست و یا هم برای انجام کارهای رسمی به نقاط مختلف جهان، توأم با تجارب خوب و بد فراوانی بوده است.

اگرچه انسانها فطرتاً تمایل به آن دارند که بیشتر تجارب مثبت را بخاطر بسپارند و خاطرات زشت و تجارب منفی را به مرور زمان از ذهن خود دور بسازند، با اینهمه برای ما افغانها، مخصوصاً طی سالهای مهاجرت و پناهنده شدن، اصطلاحات و کلماتی از قبیل رفتار غیر اسلامی، غیر انسانی، غیر اخلاقی، مغایر اصول و کنوانسیونهای بین المللی و ناقض مواذین اولیه حقوق بشر بیگانه نبوده زیرا هر یک ما طی این سه دهه اینگونه تجارب را کم و بیش داشته ایم.

اما آنچه رژیم اسلامی ایران در قبال مهاجرین افغان در داخل آنکشور روا میدارد، نمیتواند بهتر و کاملتر اصطلاح اپارتاید و عظمت طلبی بیان دارد. این طرز برخورد را میتوان صرف با روش نژاد پرستان سفید پوست که در مقابل بومیان کشورهای قاره افریقا در زمان رژیم های اپارتاید اعمال میکردند مقایسه نمود.

مثال های ذیل نمونه های بارزی از تعمیل و قبحانه تبعیض نژادی علیه افغانها استند:

- ممانعت افغانها از رفتن به پارکهای تفریحی و حوض های آب بازی؛
- امریه مقامات ولایتی مازندران و چندین ولایت دیگر اینکشور مبنی بر تخلیه این شهرها از وجود تمام افغانها (دارای اسناد قانونی اقامت و چی هم فاقد چنین اسناد)؛
- اخطاریه رسمی مقامات ولایت فارس باتباع ایران در مورد منع فروش اجناس و مواد غذایی، ارائه خدمات عمومی و صحی به افغانها. مقامات هکذا هشدار داده اند که متخلفین در صورت عدم اطاعت مجازات شدید خواهند شد؛
- به مسئولین نانوائی ها و سوپرمارکیت ها هدایت داده شده تا از افغانها حین مراجعه کارت اقامت تقاضا نمایند؛
- به صاحبان وسایط ترانسپورتی، حمل و نقل افغانها منع قرار داده شده است؛
- حکومت بوسیله نشر امریه های متعدد، دسترسی اطفال افغان را در ایران به مکاتب عملاً ممنوع قرار داده است (این طرز العمل رژیم آخندی ایران حتی در کشورهای دارای رژیم های فاشیستی و اپارتاید سابقه ندارد)؛
- نگه داشتن افغانها برای مدت های طولانی در زندان ها بدون دسترسی به ابتدائی ترین حقوق بشری و اعدام های ظالمانه آنها که ابعاد بد رفتاری و خشونت آن اکنون دیگر از تصور انسانی خارج گردیده است؛
- اخراج افغانها بدون ارائه دلایل قانونی یا موجه از منازل (صرف نظر از اینکه چی موسمی است: جوش گرمی تابستان یا زمستان با سردی مرگ آور آن) بدون در نظر داشت آنکه در میان اخراج شدگان اطفال خود سال، مردان سالخورده، اشخاص ضعیف و معیوبین قرار دارند، اخراج از محل کار، توهین و تحقیر کرامت انسانی و انتیکی افغانها در ترانسپورت در کوچه ها در بازار، مغازه... یعنی در محضر عام؛
- بیرون کردن افغان های مهاجر از قلمرو ایران با تمام وحشت و بی حرمتی به کرامت انسانی و اسلامی اخراج شدگان.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

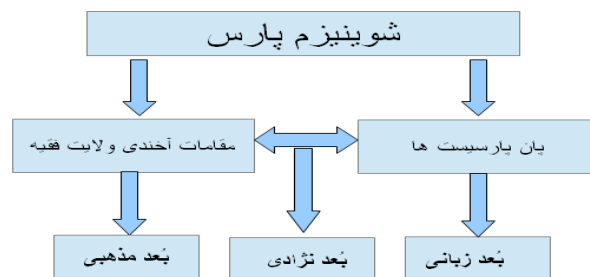
يادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ

■ مؤلفین سرحدی ایران حین بیرون ساختن افغانها غالباً همه پولها، اشیا و اسبابی که اندکی قیمتی به نظرشان میرسد از آنها با تمام وقاحت و بی ترسی غصب مینمایند و بدون همه چیز به گفته خودشان "رد مرز" شان میکنند.

■ مواردی که ایرانی ها اجساد وفات شدگان و اعدام شدگان افغان را صرف در بدل پرداخت پول به خویشاوندان آنها میسپارند از مسائلی است که یاد آوری آن مو را بر بدن انسانهای نیک اندیش و مسلمانان واقعی راست میکند.
شوینیزم یا برتری جویی فارسی ها(ایرانی ها) دارای سه بُعد میباشد،

بُعد مذهبی که مقامات مذهبی ولایت فقیه نه تنها در افغانستان بلکه در عراق، لبنان، سوریه و سائر کشورها مورد تطبیق قرار گرفته است.

بُعد زبانی که بوسیله پان پارسیست ها پیش برده میشود و سرانجام بُعد نژادی که اوصاف ناجایز هر دو گروپ فوق الذکر میباشد.



بُعد زبانی

در فارس دیروز و ایران امروز زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و ملی آنکشور شناخته میشود و اقلیت های

تباری دیگر مثل: ترکمن ها، کُردها، بلوچ ها، عربها، آذری ها از آموختن زبان مادری شان محروم بوده، مکلف اند با زبان فارسی درس بخوانند و تحصیل کنند. هیچ یکی از این تبارها به زبان های بومی و مادری خود نه روزنامه ای دارد و نه هم برنامه رادیویی و تلویزیونی.

افغانهای مهاجر که موقتاً در خاک ایران به سر میبرند مجبور استند تا نه تنها با ایرانی ها بلکه حتی با اعضای خانواده خویش نیز با لهجه ایرانی صحبت نمایند. یکی از دلایل این کار آنست که مبدا کسی پی ببرد که آنها "افغان" استند. زیرا اگر دانسته شود که افغان استند، مورد توهین و تحقیر قرار میگیرند و بنام "افغونی پدر سوخته" خطاب می شوند. شاید باور نکردنی به نظر برسد مگر در ایران شرایط برای زیست افغانها آنقدر طاقت فرسا است که بگفته یک هموطن مهاجر، اگر ما افغانها بخواهیم بخاطر دیدن دوستان و اقارب خویش به این کشور سفر نمایم، بلافاصله می فهمیم که در بیرون از خانه اجازه گپ زدن را با زبان و لهجه خود نداریم، چون از لهجه و لغات مأنوس زبان دری، متوجه می شوند که ما "افغان" استیم.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

افغانهای عزیز برای یک لحظه تصور کنید، که هموطنان ما در چی شرایط خفقان آور در این کشور به اصطلاح اسلامی و ولایت فقیه، "هم نژاد. . ." به سر میبرند. هیچگاه حکایت یک هموطن هزاره که روزی برایم باز گو نموده بود از یادم نخواهد رفت:

"وطندار! افغانی اصیل ما مردم استیم چون پاسپورت افغانی ما در چهره ما نصب است، دیگران می توانند با پوشیدن شلوار (پتلون) و استعمال لهجه ایرانی خود را "ایرانی جا بزنند" ولی ما مردم اینکار را نمیتوانیم و بیشترین رنج تعصب را ما میکشیم."

در خارج از ایران شوینیزم فارسی توسط حمایت بی چون و چرای یک تعداد دری زبانان (ایرانی شده) بالای افغانها از طریق میدیا وسیعاً و با استفاده از مهارت های روان شناسی شدیداً و پیوسته تحمیل میگردد. وب سایت بی بی سی بخش افغانستان، دویچه ویلی، تلویزیون نور و غیره و یک تعداد دیگر از وب سایت ها در این راستا بیشتر از ایرانی ها ایرانی زده استند و نمونه بارزی از تمهیل پالیسی های عظمت طلبانه و متکبرانۀ فارسی گویان چی در خود ایران و چی هم در خارج از آن استند.

یکی از پروژه های ناکام پان پارسیست ها دور ساختن کلمات و اصطلاحات عربی از زبان فارسی است. این کار را که به منظور پاک ساختن و خالص ساختن زبان فارسی می کنند، آنقدر مضحک و فاقد منطق است که اگر کسی بخواهد برای خالص ساختن آب H_2O که از دو اتم گاز هایدروجن H_2 و یک اتم گاز اکسیجن O ترکیب یافته است، و ما بخواهیم برای خالص ساختن آب یک اتم اکسیجن آنرا دور بسازیم. در نتیجه آب به مثابه یک مایع، کاملاً از بین میرود و تنها گاز هایدروجن باقی می ماند.

افغانهای مقلد نه تنها از این شیوه نابکار پان پارسیست ها با تحریر و تلفظ لغات و اصطلاحات خود ساخته (یا باصطلاح خود شان «من درآوردی») پیروی نموده، بلکه راه مضحک پاک سازی زبان را از کلمات جامع و معتبر عربی با اصطلاحات و کلمات وارد شده از ایران تعقیب می نمایند و بر علاوه با جهان تعصب، زبان زیبا و اصیل دری خود ما را می خواهند از کلمات و اصطلاحات زیبای پشتو که از قرون متمادی با دری عجین شده است جدا سازند.

پایان بخش اول

ادامه دارد

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ